

امتداد ولایت



شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی

معاونت آموزش، پژوهش و برنامه ریزی

دفتر آموزش و پژوهش

خردادماه ۱۴۰۰



مقدمه:

بعد از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ایران و به ویژه پس از رویدادهای سالهای نخست انقلاب به تدریج این پرسش در اذهان عمومی داخلی و حتی جهانی مطرح گردید که آیا بعد از بنیان گذار کبیر انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی (رحمه الله علیه) شخص دیگری لیاقت و توانایی جانشینی آن شخصیت شاخص و والا در تاریخ را خواهد داشت، به گونه ای که تضمین کننده ی تداوم انقلاب اسلامی و آرمان های ارزشمند آن باشد؟

این پرسش با رحلت حضرت روح الله در شامگاه ۱۳ خردادماه سال ۱۳۶۸ و همچنین انتخاب حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مدظله العالی) به رهبری نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، به سرعت در رسانه ها و اذهان دنبال کنندگان تحولات انقلاب اسلامی ایران به ویژه در بعد جهانی مطرح و برجسته گردید.

اینک پس از گذشت ۳۲ سال از رحلت جانسور پیشوای مسلمانان جهان، مرور و بررسی تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران نشان می دهد که حضرت آیت الله خامنه ای (مدظله العالی) به شایستگی جانشین بر حق حضرت روح الله (ره) می باشند. در سایه ی رهبری دلسوزانه ی ایشان در سه دهه ی اخیر، نه تنها حرکت انقلاب اسلامی و اهداف امام خمینی (رحمه الله علیه) (رحمه الله علیه) تعقیب و تداوم یافته است، بلکه ارزش ها و آرمان های انقلاب اسلامی سطوحی از رشد و تعالی را تجربه کرده است که حیرت و تعجب ناظران منصف بین المللی را برانگیخته است. به واقع باید گفت زعامت مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مدظله العالی) امتداد ولایت حضرت امام خمینی (رحمه الله علیه) (رحمه الله علیه) در جمهوری اسلامی ایران می باشد.

نوشتار حاضر به منظور تبیین این واقعیت، برخی از مهم ترین اصول مدیریتی که در زمان حیات و رهبری حضرت امام خمینی (رحمه الله علیه) (ره) توسط ایشان اتخاذ شده است و بعد از آن بزرگوار توسط مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای همواره مورد توجه بوده است را مورد بررسی و مذاقه قرار داده است.

۱- تفوق مبنای بر عمل‌گرایی (مبنای در مقابل عمل‌گرایی یا پراگماتیسم)

یکی از عوامل و دلایل تغییر مسیر انقلاب‌ها در آینده، آن است که رهبران بعد از پیروزی انقلاب‌ها به تدریج مبانی‌ای را که انقلاب را بر اساس آن آغاز و مردم را حول آن گردآورده بودند، فراموش کرده و از منظری عمل‌گرایانه با توجه به شرایطی که در آن قرار می‌گیرند، تغییر مشی می‌دهند و در واقع صحنه‌ی عمل و شرایط است که رفتار ایشان را مشخص می‌کند. به عنوان مثال اگر در دوره‌ی انقلاب سخن از آرمان‌هایی، چون عدالت و آزادی رفته است، اما در صحنه‌ی عمل و پس از پیروزی انقلاب و ایجاد شرایط عادی حکومت، اگر منافع حکومت اقتضاء محدودیت در آزادی را داشته باشد، کم‌کم آزادی را ذبح حیات حکومت خویش می‌کند. ضعف در فهم مبانی و به نوعی «نان را به نرخ روز» تحولات سیاسی و اجتماعی خوردن از جمله آفت‌هایی است که منجر به انحراف مسیر انقلاب‌ها می‌شود.

از جمله اصول ثابت در رهبری حضرت امام خمینی (رحمه‌الله‌علیه) تفوق مبنا بر عمل است. او مبانی خویش را براساس معادلات و خوش‌آیند تحولات تغییر نمی‌داد. به عنوان مثال، در مسیر انقلاب اسلامی و در زمانی که انقلابیون در اقلیت بوده و نیازمند توسعه‌ی جبهه و گسترده‌ی نفرات و صحنه‌ی میدان و عمل، توصیه به یارگیری از همه مخالفان رژیم پهلوی را مقدمه‌سازی می‌کرد، امام (ره) مبانی خویش را کنار نگذاشت و جریان‌های التقاطی و غیردینی، چون سازمان مجاهدین خلق و حزب توده را به هیچ وجه، حتی به توصیه‌ی نزدیک‌ترین و امین‌ترین اصحاب خود نپذیرفت. نتیجه و عمل‌گرایی برای امام راحل مجوزی برای فراموشی مبانی وی نبود. ایشان براساس مبانی خویش سازش و همراهی با مجاهدین خلق را به هیچ وجه نپذیرفت، آن‌هم در شرایط سخت یک رهبر تبعیدی که به شدت نیازمند حمایت عناصر مخالف رژیم پهلوی است و هر عقل عمل‌گرایی این رفتار را می‌پذیرفت، اما مبانی امام راحل سازمان مجاهدین خلق را نمی‌پذیرفت.

در سال‌های حیات بنیان‌گذار کبیر انقلاب اسلامی (رحمه‌الله‌علیه) در دهه‌ی شصت نیز این اصل تداوم یافت. به عنوان مثال، در دوران جنگ تحمیلی، صدام بارها از سلاح‌های شیمیایی علیه رزمندگان ایرانی استفاده کرد و یا رژیم بعث بارها شهرهای ایران را موشک‌باران کرد، حال در مقام پاسخ هر رهبر عمل‌گرایی براساس معادلات مادی، مجوز مقابله به مثل را صادر خواهد کرد، لکن امام (رحمه‌الله‌علیه) این امر را نپذیرفت و صحنه‌ی عمل نبود که مشی او را

شکل می‌داد، بلکه مبانی اسلامی به ایشان اجازه‌ی بهره‌گیری از سلاح‌های کشتار جمعی را نمی‌داد و در نتیجه ایران در سخت‌ترین شرایط نه از سلاح‌های شیمیایی استفاده کرد و نه شهروندان غیر نظامی را موشک‌باران کرد.

در مشی آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی) نیز این اصل، به جد رعایت شده و صحنه‌ی عمل بر مبانی تفوق نیافته است. در صحنه‌ی سیاست داخلی در دهه‌ی شصت به دلیل شرایط انقلابی و جنگ، برخی از نخبگان عمل‌گرا سخن از عدالت، ساده‌زیستی، شعارهای حمایتی از مستضعفان و اقتصاد دولتی می‌گفتند و رئیس‌جمهور وقت را به سبب حمایت از مالکیت خصوصی متهم به فاصله داشتن از اقتصاد اسلامی و باور به سرمایه‌داری می‌نمودند، حال همین نخبگان در دهه‌ی هفتاد آرمان‌های دهه‌ی شصتی خود را فراموش و صحبت از توسعه در مدل شبه غربی، تجمل‌گرایی و حمایت از بخش خصوصی می‌کردند! اما مقام معظم رهبری (مدظله العالی) چه در دهه‌ی شصت و چه در دهه‌ی هفتاد مبانی خویش را براساس اقتضائات عملی تغییر نداد و در عین اعتقاد به خصوصی‌سازی و احترام به مالکیت خصوصی، عدالت را اصل فراموش ناشدنی و رسالتی حقیقی برای انقلاب اسلامی ترسیم می‌نمودند.

در عرصه‌ی سیاست خارجی نیز صحنه‌ی عمل در دهه‌ی شصت به شدت استکبارستیزی را توجیه، تشویق و تجویز می‌نمود و شرایط انقلابی اجازه‌ی طرح گفتمانی دیگر را نمی‌داد. بعد از رحلت حضرت امام (رحمه الله علیه) و پایان دوران دفاع مقدس برخی از افرادی که روزگاری در استکبارستیزی گریبان چاک می‌دادند، صحبت از رابطه با آمریکا کردند، لکن حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی) آرمان استکبارستیزی را فراموش نکرده و با رابطه با آمریکا مخالفت نمودند.

مثال دیگری که در زمینه‌ی تفوق مبانی بر عمل‌گرایی می‌توان مورد اشاره قرار داد، فتوای حرمت تولید سلاح‌های هسته‌ای است. شاید هر رهبر دیگری در شرایط ایران قرار می‌گرفت مجوز بهره‌گیری از سلاح هسته‌ای را صادر و به‌عنوان یک ابزار استراتژیک در عرصه‌ی قدرت بین‌الملل تهیه و داشتن آن را حق تلقی می‌کرد، لکن مبانی اسلامی در حرمت بهره‌گیری از سلاح کشتار جمعی و نامتعارف، مانع از چنین اقدامی شد.

۲- آرمان‌گرایی واقع‌بینانه

یکی از اصول ثابت در مدیریت حضرت امام خمینی (رحمه الله علیه) آرمان‌گرایی به همراه توجه به واقعیت‌ها است. در دوگانه‌ی آرمان و واقعیت گاه افراط و گاه تفریط صورت می‌گیرد. برخی آرمان‌گرایان واقعیت‌های میدانی را

نادیده گرفته و تعقیب آرمان در منظری غیر عقلانی در هر شرایطی و بدون توجه به امکانات و واقعیت‌های صحنه‌ی میدان را تجویز می‌کنند و در مقابل در رویکردی تفریطی برخی واقعیت‌گرایی را بر آرمان‌ها تفوق داده و براساس معادلات مادی مسیر خویش را ترسیم می‌کنند. حضرت امام (رحمه الله علیه) در منظری متعادل آرمان‌ها را براساس معادلات و ظرفیت‌های میدانی تعقیب می‌نمود. البته باید به این مهم توجه داشت که در این دو گانه، برتری و اولویت از منظر امام (رحمه الله علیه) آرمان‌ها بود و اگر در شرایطی که به هیچ وجه همنشینی این دو ممکن نمی‌شد، آرمان‌ها را برمی‌گزید و می‌فرمود: «بگذار دنیای پست مادیات با ما چنین کند، ولی ما به وظیفه‌ی اسلامی خود عمل کنیم.»

در سال‌های دهه‌ی شصت دفاع از آرمان قدس منجر به اتخاذ سیاست ارسال نیروی نظامی به لبنان گشت، که حضرت امام (رحمه الله علیه) بعد از اطلاع با آن مخالفت کرده و تأکید کردند که «راه قدس از کربلا می‌گذرد»، یعنی در عین فراموش نکردن آرمان قدس و مبارزه با رژیم صهیونیستی، اولویت را واقعیت مبارزه با رژیم بعث ترسیم کردند و توزیع انرژی و نیروی انسانی در دو جبهه را به صلاح ندانستند. پذیرش قطعنامه‌ی ۵۹۸ و پایان جنگ و نوشیدن جام زهر، توسط ایشان جلوه‌ی دیگری از «آرمان‌گرایی واقع‌بینانه» است، به گونه‌ای که ایشان اظهار داشت هیچ لحظه‌ای از جنگ پشیمان نیست، لکن براساس واقعیت‌های میدانی که از سوی فرماندهان نظامی و مسئولان سیاسی جنگ به ایشان ارائه شد، راه حل را در پذیرش قطعنامه یافتند.

در سیره‌ی مدیریتی رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی) نیز آرمان‌ها در عین واقع‌نگری تعقیب می‌شوند و از افراط و تفریط در این بین پرهیز می‌شود. ایشان همواره از رفتارهای بی‌منطق و بدون در نظر گرفتن واقعیت‌ها برحذر می‌دارند. مذاکرات هسته‌ای منجر به برجام نمودی بسیار روشن و بدیع از نسبت‌سنجی آرمان‌گرایی در عین واقع‌بینی است. رهبری انقلاب (مدظله العالی) در عین آن که آرمان استکبارستیزی و بدبینی به نظام سلطه را بارها و بارها و حتی در حین مذاکرات یادآور می‌شوند، لکن براساس برخی واقعیت‌های میدان سیاست و وضعیت خاص اقتصادی کشور، اجازه‌ی مذاکره‌ی مشخص و چهارچوب‌مند را با طرف آمریکایی صادر می‌کنند.

۳- معنویت‌باوری و معنویت‌گرایی

رهبران سیاسی معمولاً در عرصه‌ی معادلات سیاسی بسیار واقع‌بین شده و معادلات معنوی را فراموش و نادیده می‌گیرند و براساس ابزارها و معادلات مادی تصمیم‌گیری می‌کنند. اندیشه‌ی مادی‌گرای لیبرال الگویی حاکم است

که سهمی برای معنویت قائل نیست، اما از جمله ویژگی‌های مدیریت مشترک رهبران انقلاب اسلامی، معنویت گرایی براساس باور قلبی و به عنوان یک اصل حقیقی و واقعی در معادلات سیاسی است. در سراسر زندگی حضرت امام (رحمه الله علیه) و در سلوک سیاسی و انقلابی ایشان «توحید» جایگاهی حقیقی و واقعی دارد و بارها و بارها بدان اشاره شده است. آن بزرگ‌مرد تاریخ، آزادسازی خرمشهر را در یک جمله که گویای ایمان راسخ اوست اینگونه توصیف می‌کند که «خرمشهر را خدا آزاد کرد» و باور داشتند که «هرچه هست اوست و ما همه هیچیم». سلوک شخصی در اوج تحولات انقلاب و برهه‌های حساس پس از انقلاب همه مؤید این اصل است و مثال‌های فراوان دارد.

در جای جای سیره‌ی مدیریتی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی) نیز معنویت و باور به غیب و ایمان به هدایت و حمایت و نصرت الهی جاری است. توسل ایشان به حضرت حجت (عجل الله تعالی فرجه و الشریف) در شرایط حساس فتنه‌ی ۸۸، باور به نصرت الهی و خوش‌بینی به آینده‌ی انقلاب اسلامی، توصیه به خواندن دعای جوشن صغیر در میانه‌ی جنگ ۳۳ روزه به رزمندگان مقاومت و بهره‌گیری از ادعیه‌ی صحیفه‌ی سجادیه در مبارزه با بیماری کرونا، تنها نمونه‌هایی از این هزاران است.

۴- فرآیندسازی و تثبیت فرآیندها

از جمله معایب رهبری در انقلاب‌ها، اتصال کامل حیات انقلاب به شخص رهبری و نبود فرآیند برای ادامه‌ی حیات سیاسی بعد از رهبر نخستین است، به گونه‌ای که انقلاب و نظام برخاسته از آن در تصمیم‌گیری و اراده‌ی شخص رهبر خلاصه می‌گردد و در صورت نبود او میراث انقلاب به سرعت تاراج و یا دچار تغییرات اساسی شده و یا ممکن است انقلاب براساس اراده و میل رهبر بعدی به کل تغییر مسیر دهد. اما از جمله اصول اساسی در مدیریت امام خمینی (رحمه الله علیه) «نظام‌سازی»، ایجاد فرآیند و تلاش در جهت تثبیت نظام است. ایشان در کمتر از یک سال و نیم تمامی الزامات حیاتی یک نظام سیاسی را در کشور مستقر کردند. قانون اساسی، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و... و حتی در دوره‌ی انتقالی انقلاب و تغییر رژیم نیز از فرآیندهای دوره‌ی انتقال، چون شورای انقلاب و دولت موقت بهره بردند. سپس در دهه‌ی شصت و در دوران تثبیت انقلاب هرگونه عبور از قانون و قانون‌گریزی را به شدت مانع شدند و فرآیندهای نظام را تثبیت کردند. انتخاب سریع و کم‌حاشیه رهبر، بعد از فوت

ایشان نمونه‌ای از موفقیت آن رهبر هوشمند در تثبیت فرآیندها بود، در حالی که در بسیاری کشورهای به اصطلاح انقلابی، انتقال قدرت به رهبر بعد همراه با تنش‌ها و درگیری‌های بسیار است.

رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی) نیز این اصل را در سیره‌ی مدیریتی خویش به کار بسته‌اند و تلاش کرده‌اند انقلاب در بستر نظام فرآیندی، مسیر خویش را ریل‌گذاری کند. به عنوان مثال صیانت از آراء مردم و عدم پذیرش ابطال انتخابات ریاست جمهوری در اوج تبلیغات و فشارهای داخلی و خارجی در سال ۸۸، تدوین سندها و چشم‌اندازهای بالادستی و تأکید بر قانون‌گرایی و احترام به قانون نمونه‌ای از این سیره است.

۵- باور قلبی به مردم‌سالاری دینی

رهبران گاه بعد از عبور از گردنه‌ی انقلاب از شعارهای مردم‌گرایانه‌ی خویش عدول کرده و تدریجاً همچون سران رژیم گذشته‌ی خویش و در چهارچوب حصارهایی شبه ایدئولوژیک، منافع حکومت را بر منافع مردم تفوق می‌دهند و شعارهایی، چون عدالت و عدالت‌گرایی و حق تعیین سرنوشت را فراموش می‌کنند، و در سبک زندگی شخصی نیز سیره‌ی حاکمان پیش از خود را در پیش گرفته و از اقشار مردم فاصله پیدا می‌کنند.

در سیره‌ی معمار انقلاب حضرت امام خمینی (رحمه الله علیه) هم در مقام تصمیم‌گیری و معادلات سیاسی و هم در مقام ارتباط و انس با مردم، خللی حاصل نشد و ایشان بر صیانت از آرای مردمی در انتخاب مسئولان و حتی عزل آنان تأکید داشت. امام (رحمه الله علیه) رئیس‌جمهوری که «والله به ریاست جمهوری» وی رأی نداده بود را پذیرفت و رأی مردم را محترم دانست و در مقام عزل بنی‌صدر نیز بعد از اعلام عدم کفایت سیاسی نمایندگان مردم در مجلس شورای ملی، سپس حمایت عمومی مردم و در نهایت رأی دادستان کل کشور، با عدم کفایت سیاسی او موافقت و او را عزل کرد.^۱

رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی) نیز رأی مردم را «امانت الهی» و «حق الناس» دانسته و تعرض به رأی مردم را «محاربه‌ی با خدا» توصیف می‌کنند. به عقیده‌ی ایشان صیانت از نظر مردم «تکلیف الهی است، حقی است که خدا برای مردم معین کرده است، تکلیفی است که خدا برای کسانی که امور مردم را بر عهده دارند، نسبت

به مردم بر دوش آن‌ها گذاشته است؛ لذا جمهوری اسلامی یک مرکب انضمامی نیست که ترکیبی باشد از چیزی به نام جمهوری و چیزی به نام اسلامی، تا یکی بگوید که من طرفدار جمهوریتم بیشتر، یکی بگوید من طرفدار اسلامیتم بیشتر؛ آن جمهوری است، آن اتکاء به آراء مردم است که خدا آن را مقرر کرده است، خدا موظف کرده است ما را که در این زمینه رای مردم را، انتخاب مردم را، اراده‌ی مردم را معتبر بشماریم.^۱

در مقام عمل هم صیانت ایشان از رأی مردم در سال ۷۶ و برخورد جدی با افراد و مسئولانی که براساس باور خویش در پی ابطال انتخابات بودند و همچنین مخالفت با ابطال انتخابات ریاست جمهوری در سال ۸۸ به بهانه‌ی تقلب، نمونه‌هایی از این امانت‌داری و ایمان و باور به مردم‌سالاری دینی است.

۶- بهره‌گیری از تجربیات تاریخی

رهبران انقلاب نمی‌توانند از تجربه‌ی تاریخی کشور خود بی‌بهره باشند. حضرت امام خمینی (رحمه الله علیه) به نوعی عصاره‌ی تجربه‌ی تاریخی است و از همه‌ی ظرفیت تاریخی معاصر خویش بهره و درس گرفت. التزام ایشان به مطالعه‌ی تاریخ در سیره‌ی ایشان امری روشن است. برای مثال در دوره‌ی دستگیری در سال ۴۲ در هنگام استقرار در زندان عشرت آباد از جمله کتاب‌هایی که ایشان برای مطالعه مطالبه می‌کنند، کتب تاریخ مربوط به مشروطه است. چون عدم اعتماد به کج‌اندیشان و خوش‌بینی به روشنفکران غرب‌گرا در مشروطه تجربه شد، پرهیز از اختلافی که در میان انقلابیون نهضت نفت شاهد آن بوده‌ایم و دوری از رفتارهای تند و رادیکال برخی جریان‌های به اصطلاح انقلابی مسلح نمونه‌هایی از بهره‌ی این بزرگ‌مرد از تاریخ است. رهبری انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی) نیز بسیار بر استنادات تاریخی در ایران و جهان اشاره داشته و از آنان در تصمیم‌گیری خویش بهره‌برده‌اند، چرا که به تعبیر ایشان «تاریخ را با قصه اشتباه نکنیم، تاریخ یعنی من و شما در صحنه‌ای دیگر».^۲

۱ - مردم در جمهوری مؤمنین، قابل دسترس در:

https://farsi.khamenei.ir/others-note?id=۴۳۲۰#_edn۱۶

۲ - بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با دانش‌آموزان و دانشجویان در سال ۱۳۹۴، قابل دسترس در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۱۳۶۳>